ویژه

هشدار سفیر ایران در سوریه به اسرائیل

گروه دیپلماسی: سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه با بیان اینکه ما به کشورهای عضو شورای امنیت و سازمان ملل متحد هشدار می‌دهیم که در برابر جنایات صهیونیست‌ها سکوت نکنند، گفت: رژیم صهیونیستی از انتقام قاطع ایران به شدت هراس دارد.

اکبری سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه در مراسم روز جهانی قدس در سفارت ایران در سوریه اظهارداشت: پس از آن که رژیم صهیونیستی با نقض آشکار تمام قوانین بین المللی، معاهده ۱۹۶۱ و منشور ملل متحد، سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق را هدف قرار داد و به حاکمیت سوریه تجاوز کرد، ایران با ارائه شکایت به شورای امنیت، خواستار تشکیل جلسه فوق الهاده این شورا شد.

وی گفت: با توجه به ناکامی شورای امنیت در اتخاذ تصمیمات لازم برای جلوگیری از تکرار چنین جنایات هولناکی از سوی رژیم صهیونیستی، ایران حق خود را برای پاسخگویی محفوظ می‌دارد.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه تصریح کرد: ما به کشورهای عضو شورای امنیت و سازمان ملل متحد هشدار می‌دهیم که در برابر این جنایات سکوت نکنند. اکبری خاطرنشان کرد: رژیم صهیونیستی از انتقام قاطع ایران به شدت هراس دارد.

پولیتیک

نگاهی به پیام رد و بدل شده بین تهران و واشنگتن

معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور درباره پاسخ آمریکا به پیام مهم ایران عنوان داشت: آمریکا از ایران درخواست کرد که اهداف آمریکایی را نزند. این پاسخ نشانگر این است که ایالات متحده توقع انتقام و پاسخی بزرگ از سوی ایران را دارد. محمد جمشیدی معاون سیاسی دفتر رئیس جمهوری اسلامی ایران عصر روز جمعه ۱۷ فروردین ۱۴۰۳ در یادداشتی در فضای مجازی با اشاره به پیام مهم ایران به آمریکا نوشت: جمهوری اسلامی ایران در پیامی مکتوب به آمریکا هشدار داد در دام نتانیاهو نیفتد: کنار بکش تا ضربه نخوری.

جمشیدی در ادامه اعلام کرد: در پاسخ، آمریکا از ایران درخواست کرد که اهداف آمریکایی را نزند.

گرچه پیش از این حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان از پیام مهم ایران به آمریکا پس از حمله جنایتکارانه روز دوشنبه به ساختمان کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق خبر داده بود ولی این یادداشت و بالاخص پاسخ آمریکا به ایران مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی قرار گرفت.

نانوشته‌های پاسخ آمریکا

پاسخ واشنگتن و درخواست این کشور در خصوص عدم حمله ایران به مواضع نیروهای آمریکایی، به نوعی حاوی پیام بسیار مهم‌تری از سوی بزرگترین حامی رژیم جنایتکار صهیونیستی به شمار می‌آید.

این پیام بیش از هر چیز نشانگر این است که ایالات متحده خود را برای سیلی جمهوری اسلامی ایران در جواب حمله جنایتکارانه روز دوشنبه این رژیم، آماده ساخته و با عقب نشینی ضمنی، خود را از این مسئله کنار کشیده و حاضر به پشتیبانی از نتانیاهو در صورت پاسخ ایران نیست.

این موضوع از آنجایی حائز اهمیت است که اسرائیل به واسطه حمایت‌های بی حد و مرز کشورهای غربی و بالاخص ایالات متحده آمریکا، در طی ۶ ماه اخیر از هیچ جنایتی دریغ نکرده و هیچ خط و مرزی را برای توقف این جنایات رعایت نکرده است.

دیوانگی کابینه افراطی نتانیاهو که حیات خود را در ادامه جنگ می‌بیند، به تدریج باعث بلند شدن صدای اعتراض حتی در میان مقامات اروپایی و آمریکایی نیز شده است. مواضع جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مقامات دیگری در کشورهایی همچون اسپانیا و حتی در ایالات متحده نمونه ای کوچک از شکست اسرائیل در افکار عمومی در غرب است.

این حجم از جنایتگری رژیم صهیونیستی حتی از سوی ترامپ رئیس جمهور سابق ایالات متحده و نامزد اصلی حزب جمهوری خواه برای انتخابات ریاست جمهوری سال جاری این کشور نیز تقبیح شده و هر دو نامزد اصلی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا بر توقف جنگ در غزه اشاره داشته‌اند.

در کنار این نشانه‌ها، رای ممتنع (عدم وتو) آمریکا، انگلستان و فرانسه و عدم جلوگیری این کشورها از تصویب قطعنامه شورای امنیت برای آتش‌بس فوری در غزه، نشان‌گر این است که کشورهای غربی شاید بیشتر از این حاضر به از دست دادن آبرویشان به دلیل حمایت از کابینه افراطی نتانیاهو نباشند.

چه کسی دیوانه را افسار خواهد زد

حمله دوشنبه اسرائیل به ساختمان سفارت ایران در دمشق، در افکار عمومی و همچنین در بین تحلیلگران به قدری عجیب و غیرقابل انتظار به شمار آمد که حتی از سوی رسانه‌های غربی همچون سی ان ان (CNN) به بردن منطقه در لبه پرتگاه تعبیر شد.

مواضع تند و محکومیت شدید الحن این حمله از سوی اکثریت کشورهای جهان و اعضای شورای امنیت و بالاخص از سوی نمایندگان روسیه و چین در جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد، در کنار سکوت آمریکا و همچنین پاسخ آمریکا به پیام ایران، نشانگر این است که شاید اکثریت دنیا و ابرقدرت‌های جهانی به این نتیجه رسیده‌اند که باید افسار دیوانگانی همچون نتانیاهو و گالانت را کشید و در سایه بی‌عملی و سکوت اکثریت بازیگران ذی نفوذ، از این که ایران و محور مقاومت این وظیفه را بر عهده گیرند ناراضی نخواهند بود.

یادداشت

با تهمت «گوشت تلخ» به شیرین‌ترین‌های هستی نمی‌توانید تلخ‌های‌تان را شیرین کنید!

ادامه از صفحه ۱

از این‌روست که در کتاب معروف «تاریخ دمشق» لیست افرادی آمده که پیامبر مبالغ زیادی را به آنان داده، و در این بین آنان نام ابوسفیان و تبار او به چشم می‌خورد، حتی پیامبر(ص) از سهم خود از خمس هم به مشرکان می‌داده است.

شیرینی وجود مبارک پیامبر(ص) در کلمات اصحاب او -از مردان و زنان- قابل شمارش نیست.

به عنوان نمونه؛ همسر عمرو بن جموح بر شتری بعد از جنگ اُحد جنازه همسر و برادر و فرزندش که هر سه در جنگ احد شهید شده بودند را به سمت شهر حمل می‌کرد و می‌گفت: «همین که رسول‌الله(ص) در سلامتی می‌بینم باعث است که مصائب با آن مواجه هستم را آسان ببینم». (سیره ابن هشام، ج۱ ص۶۷۷)

مگر امکان دارد کسی «گوشت تلخ»! باشد و جوامع بشری را یکی پس از دیگری فتح کند؟!

این فتح‌ها ریشه در فتح مدنیه دارد که مردم با اخلاق و ادب و فرهنگ غنی اسلام مواجه می‌شدند و مسلمان می‌شدند، تا جائیکه گفته‌اند: «فتحت المدینه بالقرآن».

اینجاست که دشمن شماره اول پیامبر - ابوسفیان- اعتراف می‌کند: «قیصر و کسری و پادشاهان آن رادیدم اما به اندازه‌ای که ارادت و محبت در میان مسلمین و پیامبرش دیدم در جائی ندیدم». (بحار،ج۲۱ص۹۹)

چقدر زیبا نهایت نفوذ پیامبر(ص) را حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه به این عبارت ترسیم فرمود که دل‌ها مملو از محبت پیامبر خدا شد و چشم‌ها دیگر تمایلی به دیدن غیر پیامبر نداشت: «تملا القلوب و العیون غنیً...» (خ/۱۹۲)

استاد مطهری در مورد نفوذ محبت او در دل‌ها مثال می‌زند و می‌گوید، «نوعی هیپنوتیزم وسیع بوده است.»

وقتی سبک و سیره رسول مهربان خدا بدین شکل است، رفتار پر محبت حضرت امیرالمومنین با دوست و دشمن روشن است و جای تردیدی نمی‌گذارد. و روایت «علی خشن فی ذات‌الله» که در این برنامه گوینده خواند، اگر دارای سند قابل پذیرشی باشد مربوط به جریانی خاص است در رابطه مستقیم با «حرام شرعی و حق‌الناس» است که دوستان می‌توانند مراجعه کنند.

در پایان؛ نسبت به توهین به ساحت مقدس رسول‌الله(ص) و امیرالمومنین(ع) در «رسانه حکومت» که حاصل خون صدها هزاران شهید عزیز بوده، اظهار شرمندگی فراوان داریم.

اللهم انا نشکو الیک!

فارن افرز به واشنگتن هشدار داد

مین‌گذاری اسرائیل در تنش آمریکا با ایران

«جان آلترمن» در نشریه آمریکایی فارن افرز می‌نویسد؛ در ابتدای ماه آوریل هواپیماهای اسرائیلی به ساختمانی که بخشی از مجموعه سفارت ایران در دمشق محسوب می‌شود حمله و هفت مقام عالی رتبه نیروی قدس این کشور را ترور کردند. تهران هنوز پاسخی به این حمله نداده است. اما زمانی که چنین پاسخی داده شود، وسعت و ماهیت اقدامات ایران به پاسخ به یک سوال اساسی که محور بسیاری از بحث‌ها درباره وضعیت فعلی خاورمیانه است پاسخ خواهد داد: آیا بازدارندگی آمریکا در قبال ایران موثر بوده است؟ واشنگتن از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، دچار مشکلات متعددی با ایران شده و نتوانسته استراتژی موفق و موثری برای تعامل با این کشور بیابد. به رغم این حقیقت که اقتصاد آمریکا بیش از ۱۶ برابر اقتصاد ایران است و بودجه نظامی این کشور به بیش از ۱۰۰ برابر بودجه نظامی ایران می‌رسد، ایران همواره سد راه تلاش‌های ایالات متحده برای ایجاد یک نظم منطقه ای با ثبات بوده است. هرچند تصور کردن هر شاخصی که در آن تهران حتی به صورتی مبهم بتواند با واشنگتن رقابت کند دشوار است، اما تمام تلاش‌های ایالات متحده برای به حاشیه راندن ایران در طی۴ دهه گذشته با شکست مواجه شده است. این وضعیت تشکیل دهنده یک پازل است. عدم توازن در حوزه‌های مختلف میان دو طرف آنچنان فاحش است که می‌توان انتظار داشت مسئله بازداشتن ایران را از رفتارهای منفی یک موضوع ساده برای سیاست آمریکا به شمار برود. این منطق حاکم بر سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ بود. اما انگاره فوق نادرست است. مشکل بازدارندگی نیست ؛ بلکه موضوع این است که واشنگتن تلاش کرده تا با ابزارهای بسیار محدودی که در اختیار دارد، در طی یک بازه زمانی بسیار طولانی کارهای بسیار زیادی با ایران انجام دهد. هرچند اولویت بخشی به اهداف آمریکا و اتخاذ یک سری پاسخ‌های انعطاف پذیر مشکلات خاورمیانه را حل نخواهد کرد، اما قطعا می‌تواند وضعیت آن را بهبود ببخشد. ایران ممکن است همچنان به عنوان یک چالش برای سیاست گذاران آمریکایی باقی بماند، اما حداقل به یک بازیگر قابل پیش بینی تر تبدیل خواهد شد.

ضعف آمریکا در ایجاد بازدارندگی

در طی ۴۵ سال گذشته، ایالات متحده تلاش کرده ایران را از اقداماتش بازدارد و مجبور به اقداماتی کند که خودش می‌خواهد. اما این رویکردی اشتباه است. تئوری بازدارندگی برای تعامل با چالش‌هایی از جنس آنچه که ایران ایجاد می‌کند مناسب نیست. تئوری بازدارندگی در طول دوره جنگ سرد توسعه پیدا کرد، (از زمان آزمایش موفق بمب اتم توسط شوروی در سال ۱۹۴۹ تا فروپاشی آن در سال ۱۹۹۱) یعنی زمانی که ذهن استراتژیست‌های آمریکایی درگیر جلوگیری از بروز یک فاجعه جهانی بود. بدین منظور آنها تلاش گسترده ای انجام دادند تا اتحاد جماهیر شوروی را به برهم نزدن وضعیت موجود از طریق استفاده از سلاح هسته ای متقاعد نمایند. استراتژی واشنگتن مبتنی بر این فرض کلیدی بود که اگر جنگ اتمی رخ دهد، این رویارویی هزینه‌های عظیم و غیرقابل تحملی بر هر دو طرف تحمیل خواهد کرد. آنها امیدوار بودند که زرادخانه هسته ای آمریکا بر روی زمین، دریا و هوا در کنار نشان دادن عزمی جدی موجب تضمین عدم اقدام هسته‌ای از سوی شوروی خواهد شد. در عین حال تئوری «اجبار» مستلزم تلاشی سرسختانه تر از بازدارندگی است و کشور متخاصم را وادار به توقف اقدامی می‌کند که در حال انجام آن بوده است. این استراتژی مستلزم تداوم برخی تهدیدات خاص علیه کشور متخاصم است و بر اساس برآوردها تنها در حدود یک سوم موارد موثر واقع می‌شود زیرا در اکثر مواقع طرف مقابل حاضر به تسلیم در برابر فشارها نمی‌شود.

نه بازدارندگی و نه اجبار نتوانسته مشکل مربوط به ایران را حل کند. این ناکامی کلی را می‌توان ناشی از عدم توازن بین ایران و ایالات دانست. ایالات متحده یک قدرت جهانی ثروتمند با دارایی‌ها و منافعی در نقاط مختلف جهان است. این کشور کاملا علاقمند به حفظ نظم جهانی است و این وضعیت واشنگتن را در یک جایگاه فرماندهی جهانی قرار می‌دهد. اما در مقابل، دولت ایران به محرومیت و عدم توسعه عادت کرده و منافع نسبتا محدودی در آنسوی مرزهای خود دارد که مصمم به صیانت از آن باشد. منافع این کشور در بر هم زدن نظم جهانی نهفته است و تهران همواره دو نکته را در ذهن دارد: علم به این موضوع که منفعت آمریکا در حفظ نظم موجود این کشور را وادار می کند که به شکلی محافظه کارانه و در چهارچوب مرزهای حقوق بین الملل حرکت کند و اینکه اعتراضات ایران علیه نظم جهانی موجب ایجاد حس همذات پنداری از سوی دولت‌ها و میلیاردها نفر شهروندی خواهد شد که مخالف نظم جهانی فعلی هستند. به همین علت است که ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری ایران از زمان رسیدن به قدرت در اوت ۲۰۲۱ سیاست کاهش تنش با ایالات متحده را کنار گذاشته و بر حمله به وضعیت موجود جهانی متمرکز شده است. بدین منظور ایران روابط نزدیک تری با چین و روسیه ایجاد کرده که منافع خودشان را در تضعیف هژمونی آمریکا دنبال می‌کنند و از اینکه بی سر و صدا تلاش‌های ایران را مورد تشویق قرار می‌دهند خوشنودند. زمان نیز به نفع تهران است. ایران آموخته که خود را با تلاش‌های آمریکا برای منزوی دادنش تطبیق دهد.

نیاز واشنگتن به رویکرد متفاوت

واشنگتن می‌تواند با استفاده از یک رویکرد سه وجهی مشکل ایران را مدیریت نماید. اولا، ایالات متحده باید به شکل جدی اهداف خود در خصوص ایران را اولویت بندی کند. هرچند واشنگتن نباید مایل به پذیرش تمام رفتارهای سوء ایران باشد، اما با این حال تهران باید به یک درک روشن از اینکه چه چیزی بیشترین اهمیت را برای واشنگتن دارد برسد. یک فهرست بلندبالا این فرصت را به ایران می دهد که خودش موضوعات دارای اولویت را انتخاب کند، اما این ایالات متحده است که باید اولویت‌های اصلی را برگزیند. حملات مستقیم به پرسنل آمریکا و دستیابی به سلاح هسته ای همچنان باید یک خط قرمز غیرقابل تخطی باقی بماند. اما ایالات متحده نباید به دنبال تبدیل شدن به مخلف اصلی تمام فعالیت‌های غیرقانونی بین المللی ایران از جمله قاچاق و دشمنی علیه همسایگانش باشد. بلکه واشنگتن باید به توسعه توانمندی‌های دولت‌های دوست در منطقه در برابر تهدیدات ایران کمک کند.

ثانیا، ایالات متحده نباید در واکنش‌های خود در قبال اقدامات ایران قابل پیش بینی به نظر برسد. زیرا تهران دائما واکنش‌های آمریکا را بررسی می‌کند، می‌داند خطوط قرمز واشنگتن کجاست و در کجا باید اقداماتش متوقف شود. یک رویکرد انعطاف پذیرتر ایران را متقاعد خواهد کرد که فعالیت‌های سطح پایین این کشور ممکن است هزینه‌هایی فراتر از حد انتظار به دنبال داشته باشد و این ضمن تضعیف ارزیابی‌های ایران موجب خویشتن داری بیشتر این کشور خواهد شد. ایالات متحده باید راه‌های بیشتری برای تهدید دارایی‌های دولت ایران به ویژه اهداف نظامی و اطلاعاتی این کشور ایجاد کند. گزینه‌های آمریکا باید شامل اقدامات محدود نظامی و حملات سایبری باشد.

ثالثا، ایالات متحده باید درک کند که موضعش در برابر تهران زمانی تقویت می‌شود که تهران به این ارزیابی برسد که احتمال مساعدت بیشتر از سوی واشنگتن وجود دارد. زمانی که رهبران ایران معتقد باشند که نمی‌توان اقدامی برای کاستن از دشمنی‌های آمریکا انجام داد، آنها تشویق به ارتکاب اعمال منفی بیشتری می‌شوند. به علاوه، اگر مجازات اجتناب ناپذیر است، افزایش اقدامات خصمانه ایران هیچ ریسک حاشیه ای ندارد. اگر تهران معتقد باشد که واشنگتن احتمالا مایل به نشان دادن انعطاف است، انگیزه لازم برای کاهش تنش را پیدا خواهد کرد. هدف باید بیشتر تنش زدایی باشد تا ایجاد روابط حسنه. هرچه بیشتر تهران به این اعتقاد برسد که تقابل با آمریکا یک امر وجودی است، بیشتر خود را موظف به استفاده از ابزارهای بازدارندگی اش می‌بیند. نگاه ایالات متحده به ایران واقع بینانه تر شود و نباید تغییر حکومت در ایران در زمره اهداف دولت آمریکا قرار بگیرد. قدرت‌های کوچکتری نظیر ایران از یک مزیت مهم نسبت به قدرت‌هایی که چند برابر آنها توانمندی دارند برخوردارند. از آنجایی که آنها دشمنان کمتر و دارایی‌های محدودتری برای از دست دادن دارند، اغلب انگیزه بالایی نسبت به رقبای قدرتمند خود دارند. با این حال از آنجایی که آنها ضعیف ترند، به ندرت به پیروزی دست می یابند. یک پیروزی کلی و عمومی برای ایالات متحده که دارای منافعی جهانی و اولویت‌های بی شمار دیگری است قابل حصول نیست و این بدان معناست که مجموعه ای از پیروزی‌های کوچک در مهمترین مسائل یک هدف واقع بینانه تر برای این کشور به شمار می‌رود. محدود کردن هر چه بیشتر اقدامات ایران و قابل پیش بینی تر کردن تحولات خاورمیانه یک دستاورد بزرگ خواهد بود. ایران یاد گرفته که بازی فعلی را به خوبی انجام دهد و در این میان از مزیت‌های خود به خوبی آگاه است. هرچند ایالات متحده نمی تواند تمام وضعیت‌هایی را که به نفع ایران است حذف نماید، اما می‌تواند برای همسطح کردن عرصه نبرد با ایران، تقویت امنیت شرکا و متحدان آمریکا و کاهش احتمل رویارویی ایران و آمریکا که می‌تواند کل خاورمیانه را گرفتار کند تلاش نماید.

ارزیابی پنتاگون از نوع انتقام ایران از اسرائیل

وزیر دفاع سابق آمریکا در مصاحبه با شبکه سی ان ان ادعا کرد که تهران حمله هوایی اخیر رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه را «در مقیاس محدود» تلافی خواهد کرد. به گزارش ایرنا، مارک اسپر مدعی شد: آنها نمی‌خواهند این جنگ را به یک جنگ گسترده تر تبدیل کرده و تنش‌ها را افزایش دهند. بنابراین گمان می کنم که حملات آنها به اسرائیل و اهداف اسرائیلی محدود خواهد بود. سابرینا سینگ معاون سخنگوی پنتاگون هفته پیش گفته بود که بر اساس ارزیابی آمریکا، اسرائیل این حمله هوایی را انجام داده است. یک مقام ارشد دولت آمریکا نیز به سی ان ان گفت که واشنگتن در حالت آماده باش بوده و به طور فعال برای یک حمله «مهم» که ممکن است ظرف این هفته توسط ایران انجام شود و دارایی‌های اسرائیل یا آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد، آماده می‌شود. سی ان ان نوشت که مقام‌های ارشد آمریکایی همچون همتایان اسرائیلی خود بر این باورند که حمله ایران «حتمی» است. واشنگتن و تل آویو به شدت در تلاشند تا برای پیامدهای این حمله آماده شوند زیرا پیش بینی می‌کنند که حمله ایران می‌تواند به طرق مختلف رخ داده و علاوه بر اموال و دارایی‌ها، نیروهای آمریکا و اسرائیل را نیز در خطر قرار دهد.

ارزیابی بولتون از نوع اقدام تهران

«جان بولتون» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق را عبور اسرائیل از «خط قرمز» این کشور توصیف و تاکید کرد که ماهیت واکنش ایران به این حمله «بسیار مهم» خواهد بود.

به گزارش ایرنا، بولتون در مصاحبه تلویزیونی با شبکه نیوز نِیشن (NewsNation)، در پاسخ به این سوال که اگر ایران به شکل مستقیم به اسرائیل حمله کند، ایالات متحده چه واکنشی نشان خواهد داد، گفت: «به نظر من اگر حمله مستقیمی از سوی ایران به (رژیم) اسرائیل صورت گرفت، ایالات متحده به طور قطع برای کمک به حفاظت از (رژیم) اسرائیل وارد عمل خواهد شد».

وی همچنین ادعا کرد که حمله نیابتی توسط سوریه یا حزب‌الله لبنان به شمال اسرائیل یکی دیگر از احتمالات در این رابطه خواهد بود.

شبکه نیوز نیشن در وبسایت خبری خود نوشت: پاسخ این که ایران در پی حمله (رژیم) اسرائیل به محوطه سفارت این کشور در سوریه چه خواهد کرد همان چیزی است که (رژیم) اسرائیل، ایالات متحده و بسیاری از کشورهای جهان منتظرند تا بدانند.

هیاهوی تل‌آویو درباره تعطیلی سفارتخانه‌های اسرائیلی

پس از حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در دمشق که به شهادت شماری از مستشاران ایرانی منجر شد، مقام‌های جمهوری اسلامی ایران از لزوم پاسخ به این اقدام سخن گفته‌اند. رسانه‌های رژیم صهیونیستی نیز در ۴۸ ساعت اخیر خبرهایی را درباره تعطیلی سفارت‌ها و دفاتر دیپلماتیک خود در جهان منتشر کرده‌اند. روزنامه یدیعوت آحارونوت روز جمعه مدعی شد رژیم صهیونیستی ۲۸ سفارتخانه و دفتر دیپلماتیک خود در کشورهایی مانند بحرین، مغرب، ترکیه، مصر و اردن را از بیم حمله تلافی‌جویانه ایران بسته است. جنجال‌سازی رسانه‌های عبری در حالی است که حق جمهوری اسلامی ایران برای پاسخ متناسب با جنایت صهیونیست‌ها محفوظ است و مقامات در تهران بر این موضوع تاکید داشته‌اند، اما نوع و سطح این پاسخ بر اساس طرحی ایرانی شکل می‌گیرد و مشخص نیست، اما صهیونیست‌ها با فضاسازی رسانه‌ای اینطور وانمود می‌کنند که هدف صرفا مراکز دیپلماتیک آنهاست! به‌نظر می‌رسد صهیونیست‌ها که در ۶ ماه گذشته انواع جنایت‌ها را علیه مردم فلسطین و همچنین منطقه مرتکب شده‌اند و هیچکدام از موازین بین‌المللی را از حمله به بیمارستان‌ها و اماکن مسکونی تا خبرنگاران و امدادگران رعایت نکرده‌اند، با این نوع خبرسازی و تکرار آن در رسانه‌ها، دست به راهبرد قدیمی خود یعنی مظلوم‌نمایی زده‌اند تا جایگاه شاکی و مجرم را عوض کنند و اینطور وانمود می‌کنند که این ایران است که مراکز دیپلماتیک را مورد تهدید قرار داده است! طبق آمارها، رژیم صهیونیستی از آغاز جنگ غزه تاکنون به دفاتر و کارکنان نهادهای بین‌المللی از جمله «آژانس امدادرسانی و کاریابی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک» موسوم به آنروا، جمعیت هلال احمر فلسطین، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان بهداشت جهانی و به‌تازگی هم به خودروهای امدادگران «آشپزخانه مرکزی جهانی» حمله کرده است. در حمله روز دوشنبه نظامیان صهیونیست به امدادگران این خیریه که دفتر آن در آمریکا قرار دارد، هفت نفر جان خود را از دست دادند که شهروندانی از استرالیا، لهستان، انگلیس و فلسطین و همچنین یک فرد دو تابعیتی آمریکایی-کانادایی بودند؛ حمله‌ای که حتی صدای متحدان غربی تل‌آویو را درآورده است. همچنین این رژیم از ابتدای حمله به غزه، با حمایت بی قید و شرط آمریکا، بارها از سلاح‌های غیرمتعارف از جمله بمب‌های فسفری استفاده کرده و تا امروز بیش از ۳۳هزار تن از فلسطینیان را که عمدتا شامل زنان و کودکان می‌شود، قتل عام کرده است.

حال با این اوصاف و انزوای این رژیم اشغال‌گر در سطح بین‌المللی که نفرت جهانی را برانگیخته است، بعید نیست اتاق عملیات روانی این رژیم با جنجال‌سازی درباره احتمال حمله تلافی‌جویانه ایران به سفارت‌خانه‌ها و مراکز دیپلماتیک اسرائیل به‌دنبال سناریویی حتی در سطح خودزنی باشد تا ضمن مظلوم‌نمایی و مقصر جلوه دادن ایران با یارکشی از متحدان سنتی خود که به شدت این روزها به دلیل حمایت از قتل‌عام مردم غزه تحت فشار افکارعمومی هستند، با فضاسازی خواستار خویشتنداری ایران و کاهش سطح برخورد با این رژیم شوند.

مصادره ۸۳ درصد ارس توسط ترکیه

نتایج یک مطالعه جدید از زیاده‌خواهی‌های ترکیه پرده برداشته و نشان می‌دهد که این کشور قصد دارد تا با تکمیل پروژه داپ، ۸۳ درصد پتانسیل رودخانه ارس را مهار کند.

به گزارش تسنیم، مناقشات آبی بر سر رودخانه‌های مرزی در نقاط مختلف دنیا وجود دارد و معمولاً کشورهایی که در بالادست رودخانه‌ها هستند، از این ویژگی به عنوان اهرم فشاری بر کشورهای پایین‌دست استفاده می‌کنند.

این موضوع در منطقه خاورمیانه نیز پررنگ است و در سال‌های اخیر موضوع مناقشات آبی کشور ما را درگیر کرده و متأسفانه عملکرد منفعلانه مسئولین در بحث «دیپلماسی محیط زیست» به کشورهایی همچون افغانستان و ترکیه اجازه داده تا از موقعیت خود سوء استفاده کنند و آب را سلاحی برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران بسازند.

سیاست‌های آبی خصمانه ترکیه در قبال کشورهای همسایه در حوضه دجله و فرات و در حوضه رودخانه ارس در قالب پروژه‌های «گاپ» و «داپ» دنبال می‌شود و این کشور قصد دارد تا با ساخت سدهای متعدد حقابه کشورهای پایین‌دست از این رودخانه‌ها را پایمال کرده و از آب به عنوان ابزار قدرت در منطقه استفاده کند.

پیش از این اثر سدسازی‌های پروژه گاپ در خشکسالی‌های اخیر عراق، سوریه و ایران مشخص شده بود و اکنون همه کارشناسان در رابطه با زیاده‌خواهی‌های این کشور در حوضه آبریز رودخانه ارس هشدار می‌دهند.

به تازگی مطالعه جدیدی درخصوص نقشه‌های ترکیه در رابطه با رود ارس توسط «سعید نسترنی عموقین»، «سیده زهرا قریشی»، «حجت میان‌آبادی» و «عاطفه پرورش‌ریزی» انجام و در سامانه نشر مجلات دانشگاه تهران منتشر شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که ترکیه با جلوگیری از ورود آب به سایر کشورهای این حوضه قصد دارد تا ۸۳ درصد پتانسیل رود ارس را داخل مرزهای خود مهار کند.

در این مطالعه آمده است: کشور ترکیه تا قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی، تنها چهار سد با مجموع ظرفیت ۶۲۱ میلیون مترمکعب در حوضه رودخانه ارس به بهره‌برداری رسانده بود اما طی دو دهه بعد، یعنی تا سال ۲۰۲۰ با ساخت پنج سد دیگر با مجموع ظرفیت ۸۴۶ میلیون مترمکعب، قادر به مهار یک میلیارد و ۴۶۸ میلیون مترمکعب از آب رودخانه ارس شده است.

اما مقامات ترکیه به همین میزان بسنده نکرده و از سال ۲۰۱۴ احداث هفت سد دیگر در حوضه ارس را هم آغاز کرده‌اند. این سدها در مجموع، ظرفیتی معادل یک میلیارد و ۸۷۴ میلیون مترمکعب دارند. علاوه‌بر این هفت سد، برنامه‌ریزی برای هفت سد دیگر نیز در دستورکار مقامات ترکیه قرار گرفته است که برابر اطلاعات منتشرشده، مجموع ظرفیت آنها ۴۰۱ میلیون مترمکعب است.

این بدان معناست که پس از ساخت تمامی سدهای برنامه‌ریزی‌شده و در دست احداث، ترکیه قادر خواهد بود ۳ میلیارد و ۷۴۳ میلیون مترمکعب آب را در این حوضه آبریز فرامرزی مهار کند. این درحالی است که برابر اطلاعات DSI، میانگین پتانسیل حوضه رودخانه ارس در کشور ترکیه برابر با ۴ میلیارد و ۴۷۳ میلیون مترمکعب است.

به بیان دیگر، ترکیه برنامه‌ریزی کرده که بیش از ۸۳ درصد پتانسیل حوضه آبریز ارس را در خاک خود کنترل و مهار کند؛ موضوعی که تأثیری عمیق بر پایین‌دست رودخانه خواهد گذاشت. نویسندگان با اشاره به سیاست آب به جای نفت که در بسیاری از کشورهای فاقد منابع نفت و گاز دیده می‌شود، معتقد هستند ترکیه در تأمین انرژی مورد نیاز خود وابسته به کشورهای منطقه است و به همین دلیل این کشور درصدد است تا در کنار سیاست به حداقل رساندن وابستگی به واردات نفت، تولید انرژی برقابی خود و در نتیجه آن کنترل آب به واسطه سد را افزایش دهد.